

# نگارخانه

## فصلنامه علمی

وابسته به بنیاد فرهنگی خدماتی امام حسن عسکری (ع)

سال دوم، تابستان ۱۴۰۱

شماره پنجم

- قرآن پژوهی سیاست جنایی اسلام در اصلاح مجرمین / سید محمد حسینی دره صوفی
- روش‌های درمان روانه در متون دین اسلام / حفیظ الله محمدی
- عوامل نشاط روحی و معنوی در متون دینی / سید رضی قادری
- قلمرو اطاعت از مافوق از منظر فقه امامیه / سید رضا علوی
- مشروعیت نهاد دادرسی در نظامی قضایی اسلام / محمد علی علی دادی
- جرایم و مجازات‌های نقض مالکیت فکری در حقوق افغانستان / محمد شریف حامدی
- نگاهی نو به معنای اهل بیت و ارائه معنایی تفصیلی یافته از آن / محمد جعفر میلان نورانی و ...

عنوان: فصلنامه علمی نیسم کوثر  
مدیر مسئول و سردبیر: سید محمد حسینی دره صوفی  
ویراستار: سید محمد نقوی  
گرافیسیت: سید محمود محسنی  
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه  
قیمت: ۲۰,۰۰۰ تومان  
صاحب امتیاز: بنیاد فرهنگی خدماتی امام حسن عسکری (ع)  
شماره تماس: ۰۰۹۸۹۳۵۳۹۶۹۷۷۶  
سایت فصلنامه: [nasimekosar.blog.ir](http://nasimekosar.blog.ir)  
ایمیل: [nasimkosar1399@gmail.com](mailto:nasimkosar1399@gmail.com)  
دفتر مرکزی و محل چاپ: ایران: قم.



سال دوم، تابستان ۱۴۰۱، شماره ۵

## قرآن پژوهی سیاست جنایی اسلام در اصلاح مجرمین

سید محمد حسینی<sup>۱</sup>

### چکیده:

یکی از وظایف سیاست جنایی اسلام، اصلاح و درمان مجرمین است. به کار بردن روشهای اصلاح و درمان مجرمین در سیاست جنایت هر کشوری، نقش مهمی در کاهش آمار جرائم دارد. برای یافتن روشهای اصلاح و درمان مجرمان، در قدم نخست باید کار پژوهشی صورت گیرد. در اسلام اولین و مهمترین منبع پژوهشی در این حوزه، قرآن کریم است و باید دید که قرآن کریم چه روشهای را اصلاح مجرمان معرفی نموده است؟ این پژوهش، توصیفی تحلیلی با تکنیک پیمایشی است و ابزار گرد آوری آن کتابخانه و داده‌های دیجیتال است. قرآن کریم ضمن ارائه راهکارهای مهمی چون عفو و بخشش مجرمان، چشم پوشی از خطاهای آنان، محدود کردن ادله اثبات دعوا در جرایمی مثل زنا، توبه پذیری از مجرمان، سعی در اصلاح مجرمان دارد. سیاست جنایی اسلام در اصلاح و درمان مجرمین، باید مبتنی بر قرآن کریم باشد؛ زیرا روشهای موجود در قرآن کریم برای اصلاح مجرمان، نقش مهمی در کاهش جرم و جنایت ایفا کرده و در صورت به کار بردن دقیق این روشها، آمار جرائم کاهش می‌یابد.

**کلید واژه:** سیاست جنایی، اصلاح مجرمان، اصلاح‌پذیری با توبه، خطاپوشی، عفو مجرم.

۱. دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه، قم. daraisuf@gamil.com

۱. بیان مسئله

در جهان سالانه موارد عدیده‌ای عمل مجرمانه ارتکاب می‌یابد و مجرمان به اقسام جرایم کوچک و بزرگ دست می‌زنند مجرمان تحت عوامل مختلف مرتکب جرم می‌شوند. این جرایم چه علیه اموال باشد یا علیه اشخاص یا علیه امنیت و اسایش عمومی، ضرر و زیان‌های جانی و مالی و حیثیتی فراوانی به فرد و جامعه و دولت وارد می‌کند. کم یا زیاد بودن آمار سالانه ارتکاب جرم و جنایت در هر کشوری، با نوع سیستم سیاست جنایی آن کشور ارتباط نزدیکی دارد. اصلاح و درمان مجرمین، از ارتکاب مجدد جرم توسط آنان جلوگیری می‌کند و نقش مهمی در کاهش آمار جرم و جنایت دارد. روشهایی که قرآن برای اصلاح مجرمین بیان کرده؛ چنانچه توسط دستگاه قضایی عملی و اجرایی شود، می‌تواند جامعه را به این هدف مهم برساند.

اهمیت موضوع اقتضا می‌کند که راههای اصلاح و درمان مجرمان به درستی و دقیق شناسایی شود و برای مهار جرم و جنایت به کار گرفته شود.

خداوند خالق همه موجودات بویژه انسان است. برای شناخت دقیق هر چیزی باید سراغ دستورالعملهای سازنده آن رفت. شرکت‌های بزرگ و معروف در داخل جعبه محصول خود، دفترچه راهنمای طرز استفاده از آن را نیز قرار می‌دهند. گویا وقتی خداوند انسان را خلق کرد، از طریق وحی، انسان شناسی را نیز همراه آن به جهانیان عرضه کرد، که انسان چه موجودی است و چگونه باید زندگی کند و راه اصلاح و درمان او و برگشتن به مسیر درست چیست؟ یکی از مهمترین منابع وحی، قرآن کریم است که برای جامعه بشری نقش اصلاحگرانه و درمانگرانه دارد. قرآن می‌کوشد بشر را از پیمودن مسیرهای اشتباه به مسیر درست هدایت کند و ارسال رسل و کتابهای آسمانی نیز در راستای نیل به همین هدف بوده است و وظیفه اصلی قرآن تربیت انسان کامل است همان انسان کاملی که هدف از آفرینش و خلق کائنات معرفی شده است.

براین اساس این سوال مطرح می‌شود که سیاست جنایی اسلام در حوزه اصلاح و درمان مجرمین در قرآن چیست؟

هدف این نگارش، تبیین و تحلیل روشهای قرآنی جهت اصلاح و درمان مجرمین در قالب سیاست جنایی اسلام است.

هدف کلی این تحقیق: تبیین سیاست جنایی اسلام در اصلاح مجرمان با محوریت قرآن کریم است که به هدفهای جزئی تر قابل تقسیم است:

۱. نقش عفو و بخشش در اصلاح مجرمان با تأکید بر آموزه‌های قرآنی

۲. رابطه خطاپوشی با اصلاح مجرمین در قرآن کریم

## قرآن پژوهی سیاست جنایی اسلام در اصلاح مجرمین \* ۷

۳. محدود کردن ادله اثبات دعوی در راستای اصلاح مجرمین

۴. نقش توبه در اصلاح مجرمین در قرآن

∴ ۲. مبانی نظری

برای تنقیح مطلب، برخی از مفاهیم مورد بحث، مورد پژوهش لغوی و اصطلاحی قرار می‌گیرد.

### ∗ ۱-۲. سیاست جنایی

سیاست جنایی ترکیب اضافی است و از دو واژه سیاست و جنایی تشکیل شده است. سیاست در معانی مختلفی به کار رفته است. سیاست در لغت از ماده «سوس» به ریاست معنی شده است. به معنای «تصدی برای حفظ مصالح مردم» نیز آمده است (ابن منظور، ۱۴۰۸، ج ۶: ۱۰۸). برخی دیگر از لغت شناسان سیاست را به معنای اداره‌ی کشور و حکم راندن و رعیت داری دانسته‌اند (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۹: ۱۳۸۶۵). در نتیجه می‌توان گفت که سیاست در لغت یعنی قدرت بر اتخاذ تصمیم‌هایی جهت تدبیر امور به نحو شایسته. واژه جنایی، برگرفته از ماده جنی است. لغت شناسان آن را به معنای گناه کردن آورده‌اند (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۵: ۷۸۶۵) برخی نیز معتقدند که عربها، واژه جنایی یا جنایت را همانند جناح، از «گناه» که واژه فارسی است، گرفته‌اند (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۷، ج ۳: ۱۵۷۱).

در اصطلاح: برای سیاست جنایی تعریف واحد مورد قبول همگان وجود ندارد. به نظر می‌رسد تعریفی که جامعیت بهتری دارد، توسط خانم مری دلماس ارائه شده است. به نظر این اندیشمند: سیاست جنایی، عبارت است از مجموعه روشهایی که به وسیله آن بدنه اجتماعی، پاسخهای خود را به پدیده مجرمانه، سازماندهی می‌کند (لازرز، ۱۳۸۲، ص ۱۱).

### ∗ ۲-۲. اصلاح مجرمین

اصلاح مجرمین به حالتی گفته می‌شود که مجرم تحت عواملی بیرونی یا درونی نسبت به اقدامات مجرمانه گذشته خود اظهار پشیمانی کرده و ضمن تفر قلبی از جنایات و خطاهای گذشته خود، تصمیم قاطع بر سازگاری اجتماعی و جبران گذشته داشته باشد و زندگی شرافتمندانه با سازگاری اجتماعی و دوری از هر جرم و جنایت را در پیش گیرد. به تعبیر دیگر: اصلاح متضمن تغییر در روحیات، تشخیص بد بودن عمل انجام شده و

تصمیمی صادقانه برای زندگی آینده است (حاجی ده آبادی، ۲۰۰۹، ص ۸۴).

۰۳. راههای اصلاح مجرمین در قرآن کریم

در گذر زمان و با توجه به تجربه بشری در مقابله با جرم و جنایت و انحرافات، این موضوع نظر دانشمندان را به خود جلب کرد که برای مقابله با جرم و صیانت فردی و اجتماعی از جنایت، تنها پیشگیری و مقابله با جرم و جنایت کافی نیست؛ بلکه باید روش دیگری را در پیش گرفت.

با قوت گرفتن این تفکر، زاویه دید نسبت به مجرمان تغییر کرد و مجرم به عنوان مریضی در نظر گرفته شد که باید درمان شود؛ زیرا کسی که دست به رفتارهای هنجارشکانه می‌زند یا حقوق دیگران را نقض می‌کند یا به قوانین وضعی موجود بی‌اعتناست، به لحاظ روحی و روانی، وضعیت عادی ندارد. به همین جهت تا جایی که امکان دارد باید در جهت درمان آنان تلاش کرد.

اسلام نسبت به مجرمین نگاه درمانگرانه دارد. برای همین، در مقابل ارتکاب گناه، ابزارهای مختلفی را جهت اصلاح و درمان و بازگشت او به آغوش جامعه و رسیدن به کمال و تعالی او به کار بسته است. این ابزارها عبارتند از:

۱. عفو و بخشش گناه کار و ترغیب دیگران به عفو مجرم
  ۲. خطاپوشی از مجرمان و گنه کاران برای اصلاح و درمان آنان
  ۳. محدود کردن ادله اثبات جرم و سخت گیری در اثبات
  ۴. باز بودن راه توبه و بازگشت مجرم به مسیر صحیح
- در ادامه به بررسی این راهکارها جهت اصلاح مجرمین و گناه کاران پرداخته شده است:

### ۳-۱. عفو و بخشش

عفو در لغت به معنای قصد گرفتن چیزی است (زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۹، ص ۶۸۶) به معنای آمرزیدن و چشم پوشی از گناه و لغزش نیز به کار رفته است (شعرانی، ۱۳۵۷، ج ۲، ص ۱۷۱). در کاربرد قرآنی، بخشش و عفو یعنی گذشت از خطای شخص مجرم و گناهکار، توسط فردی که قدرت مجازات آن را دارد؛ فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ (شوری، ۴۰). در تفسیر این آیه آمده است که هرکسی شایسته عفو و بخشش نیست، بلکه کسی را می‌توان بخشید که از مرکب ظلم پیاده شده باشد و در صدد این باشد که دست به اصلاح خود بزند. عفو نباید منجر به جسورتر شدن و جری تر شدن مجرم شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۴۶۶). نکته مهم این که دستور به عفو برای کمک به مجرم

## قرآن پژوهی سیاست جنایی اسلام در اصلاح مجرمین \* ۹

نیست؛ بلکه در راستای این هدف است که گمراهان هدایت شود و این کار منجر به استحکام پیوندهای اجتماعی گردد (همان)

عفو به خاطر ضعف نیست؛ زیرا عفو در صورتی تحقق می‌یابد که شخص قدرت انتقام داشته باشد و گذشت او باعث انقلاب درونی مجرم شده و او را به فکر اصلاح خویش وامی‌دارد.

بخشیدن جلوه بارز از سیاست جنایی اسلام در اصلاح مجرم است. شخصی که بعد از اثبات جرم و قریب الوقوع بودن مجازات، مورد عفو و بخشش مجنی علیه و بزه دیده قرار می‌گیرد، تا آخر عمر خود را مدیون حساب می‌کند و به لحاظ روانی تحت تأثیر بخشش او قرار می‌گیرد و همواره سعی در جبران خطا و اشتباه خود دارد. قاتلی را تصور کنید که گردش داخل طناب دار رفته است و خودش را مرده می‌پندارد و در همین اثنا اولیای دم زندگی دوباره به او می‌بخشد. هیچ چیزی برای او ارزشمندتر از این هدیه نیست و این بخشش به جهت حب نفس، دارای بالاترین درجه ارزش است.

اشخاصی که بعد از ارتکاب جرم مورد بخشش قرار می‌گیرد، غالباً اصلاح می‌شوند و کمتر دیده شده است که مجدداً مرتکب جرم شوند پس عفو و بخشش مجرم می‌تواند در اصلاح پذیری او مؤثر باشد.

بازگشت به مسیر صحیح در فطرت هر انسانی وجود دارد؛ زیرا انسان فطرتاً پاک آفریده شده است؛ *فَطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا* (سوره روم، آیه ۳۰).

کسی که در ادامه مسیر از راه درست منحرف می‌شود و با چپ و کج رفتن باعث تجاوز به حقوق دیگران می‌شود؛ چنانچه از روی دلسوزی و خیرخواهی راه درست به او نشان داده شود و اشتباهات گذشته‌اش پاک شود، حاضر است که مسیر درست را ادامه دهد؛ زیرا او کجروی و قانون شکنی را تجربه کرده و با تمام وجود خطرات آن را حس کرده است و چنانچه زمینه زندگی سالم برایش مهیا باشد؛ دیگر انگیزه برای کجروی ندارد.

### \* ۱-۱-۳. شرایط عفو و بخشش

عفو و بخشش در صورتی در اصلاح پذیری مجرم مؤثر است و به صلاح کلی جامعه است که واجد شرایط ذیل باشد

### \* ۱-۱-۱-۳. اصلاح پذیر بودن مجرم

بفرموده قرآن کریم، اگر خدا بخواهد، هر مجرمی اصلاح پذیر است (یونس، ۹۹)؛ اما باید



زمینه اصلاح او فراهم شود و یکی از این زمینه‌ها مورد عفو و بخشش قرار دادن اوست. اما بحث این است که می‌توان هر مجرمی را مورد عفو قرار داد یا نه؟

طبق نص صریح قرآن، برخی از انسان‌ها قابلیت اصلاح ندارند و عفو و بخشش آنان خود نوعی ظلم است (بقره، ۶؛ شعرا، ۱۳۶) اصلاح شدن یا نشدن قبل از هر چیز به اراده و خواست خداوند بستگی دارد (کهف، ۲۹؛ اعراف، ۱۷۸) و بعد از آن به نوع نگاه و اراده خود فرد مجرم.

احراز شدن ندامت یکی از نشانه‌های اصلاح پذیری مجرم است (مائده، ۳۱). اگر مجرم بعد از ارتکاب جرم عملاً پشیمانی خود را ثابت کند (توبه، ۱۱۸) و برای کسی که قرار است او را مورد بخشش قرار دهد ثابت شود که او از کار خود پشیمان است، می‌توان به اصلاح پذیر بودن او باور کرد.

مجرمینی که بعد از ارتکاب جرم اظهار پشیمانی نمی‌کنند، یا اینکه طبق قرائنی مشخص می‌شود که اظهار پشیمانی آنان صوری است و تنها برای بخشیده شدن می‌باشد، چنین اظهار ندامتی نشانه اصلاح پذیر بودن مجرم نیست و نباید مورد عفو قرار گیرد.

احراز شدن تاثیر مجازات یکی دیگر از نشانه‌های اصلاح پذیری مجرم است.

افرادی که بعد از تحمل بخشی از مجازات خود مثل زندانی شدن، متاثر می‌شوند، مشخص می‌شود که مجازات بر آنان موثر بوده و در این صورت صاحب حق می‌تواند نسبت به بخشش او اقدام کند. مثلاً قاتلی که در انتظار حکم اعدام است و چندین سال در حبس بوده و زندان در وجود او تاثیر گذاشته است و متوجه اشتباه خود شده و ضمن اظهار ندامت و احراز آن، کشف شود که مقدار زمان زندانی شدن بر او تاثیر گزار بوده و نیازی به مجازات و قصاص او نیست، صاحب حق می‌تواند قاتل را مورد عفو قرار دهد چون عفو و بخشش چرخه اصلاح پذیری مجرم را تکمیل می‌کند.

مرتکب تکرار جرم نشده باشد و الا مجازات می‌شود (مائده، ۹۵). هرچند در آموزه‌های دینی، شخصی که مرتکب گناه می‌شود، راهی بازگشت از خطا همیشه به روی او باز است و هر زمانی که توبه کند، خداوند مهربان از بازگشت بنده گنه کار خود به مسیر درست، خوشحال می‌شود و او را می‌بخشد. مثل پدری که پسر ولگرد و ناسالمش اظهار پشیمانی کند و نشانه‌های از اصلاح شدن در او دیده شود و با این حال به خانه برگردد، که پدر با دیدن این حالت او خوشحال می‌شود و او را از خود طرد نمی‌کند. بنده‌های گنه کار و پشیمان نیز با بازگشت و توبه به سوی خداوند، زمینه خوشحالی و استقبال خدا را فراهم می‌کنند. فرقی نمی‌کند که اولین بازگشتش باشد یا چندین بار این مسئله تکرار شده باشد؛ زیرا یکی از اسمهای خداوند تواب است و توبه کنندگان را دوست دارد. برای خداوند مهم این است که



## قرآن پژوهی سیاست جنایی اسلام در اصلاح مجرمین \* ۱۱

بندگانش مسیر تکامل را پیمایند ولو در این مسیر چندین بار از راه درست منحرف شده باشند و مجدداً به راه درست هدایت شده و ادامه مسیر دهند تا به مقصد نهایی برسند اما در بحث عفو و بخشش که توسط غیر خدا انجام می‌شود مسئله کمی متفاوت است. اگر شخصی اولین بار مرتکب جرمی شده باشد؛ صاحب حق با دیدن نشانه‌های اصلاح پذیری در مجرم، می‌تواند اقدام به گذشت از خطای او نماید؛ اما اگر مجرم سابقه دار باشد، هیچ تضمینی وجود ندارد که عفو و بخشش زمینه اصلاح او را فراهم نماید زیرا کسی که چندین بار مرتکب جرم شده و بعد از اعمال مجازات، مجدداً به سمت ارتکاب جرم رفته است، امکان این که در صورت بخشیده شدن مجدداً مرتکب جرم شود وجود دارد. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: عَفَا اللَّهُ عَمَّا سَلَفَ وَمَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمُ اللَّهُ مِنْهُ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ (مانده، ۹۵)؛ خداوند گذشته را عفو کرده، ولی هر کس تکرار کند، خدا از او انتقام می‌گیرد؛ و خداوند، توانا و صاحب انتقام است. از این آیه شریفه می‌توان نتیجه گرفت که در صورت تکرار جرم، گذشت جایی ندارد و باید مجرم مجازات شود. در نتیجه عفو و بخشش در مورد مجرمینی که حتی احتمال اصلاح پذیری آنان وجود ندارد درست نیست.

### \* ۳-۱-۱-۲. قابل گذشت بودن جرم ارتكابی

جرم قابل گذشت آن است که با شکایت شاکی خصوصی وارد فرایند کیفری شده است و با گذشت بزه دیده، در هر مرحله از فرایند کیفری که باشد، رسیدگی به آن متوقف می‌شود (مرتضی محمودی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۳۹). هر جرمی که در قانون تصریح به قابل گذشت بودن آن نشده باشد، غیر قابل گذشت تلقی می‌شود.

### ۳-۱-۱-۲-۱. ارکان جرم قابل گذشت

جرمی قابل گذشت است که از ارکان ذیل تشکیل شده باشد:

### \* ۳-۱-۱-۲-۱-۱. لزوم طرح شکایت

جرمی قابل گذشت است که شاکی داشته باشد و شاکی شکایت خود را به صورت کتبی یا شفاهی در محاکم قضایی اعلان کرده باشد یا عرفاً طرح شکایت صدق کند مثل بردن شکایت به محاسن سفیدان روحانیون و اهالی معتمد محل (مرتضی محمودی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۴۶). گذشت از جرمی که از او شکایتی نشده و درجایی ثبت و مطرح نشده معنا

ندارد. باید جرمی باشد که گذشت نسبت به آن محقق شود

**\* ۲-۱-۲-۱-۳. لزوم گذشت جانی**

بعد از اینکه شکایت وارد فراینده دادرسی شد، شاکی می‌تواند در هریک از مراحل پنجگانه (کشف جرم، تعقیب متهم، تحقیقات مقدماتی، محاکمه، اجرای حکم)، رضایت دهد. از آنجا که رضایت یا عدم آن حق شاکی است او می‌تواند در هر مرحله این حق را دریافت یا ساقط کند؛ اما از آنجا که رضایت ایقاع است، نیاز به قبول طرف مقابل یا مقام رسیدگی کننده ندارد، به صرف اعلان رضایت، حق او ساقط می‌شود (ق.م.ا. ماده ۲۵۵).

از طرفی هم شکایت شامل مرور زمان نمی‌شود و اینگونه نیست که گذشت از حق، زمان خاصی داشته باشد، در هر زمان و مکانی می‌تواند مجرم را مورد بخشش قرار دهد (مرتضی محمودی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۵۱).

در مقابل جرایم قابل گذشت، بسیاری از جرائم قابل بخشش نیست مثل تجاوز به زنا، به عنف، جاسوسی، آدم ربایی، محاربه و سایر جرایم مستوجب حد شرعی همانند سرقت، محاربه که با شهادت شهود عادل ثابت شده است و مواردی که حق الناس است در صورت عدم گذشت صاحب حق، کسی دیگری حق گذشت ندارد (آئین نامه کمیسیون عفو و تخفیف مجازات محکومین، مصوب ۱۳۸۷/۰۹/۱۲؛ ماده ۲۶).

عفو و گذشت بعد از اثبات جرم، نسبت به حدود شرعی تاثیری ندارد مثلاً کسی که سرقت کرده، اگر شاکی قبل از ثبت شدن سرقت، مجرم را ببخشد، گذشت او مؤثر است؛ اما بعد از ثبت شدن، عفو مجرم نسبت سرقت که قطع دست سارق است تأثیری ندارد؛ هرچند، نسبت به حقوق مالی بزه دیده مؤثر است یعنی صاحب حق می‌تواند مالی که سارق برده را به او ببخشد

**\* ۳-۱-۲-۱-۳. صدور قرار موقوفی تعقیب**

گذشت زمانی محقق می‌شود که قرار موقوفی تعقیب توسط مقام صلاحیت دار صادر شود. با صدور این قرار، زیان دیده از حق شکایت مجدد نسبت به آن جرم منع می‌شود و دعوا مختومه می‌گردد (ق.م.ا. ذیل ماده ۱۰۱)؛ مگر اینکه بعد از گذشت آثار دیگری از آن جرم که هنگام گذشت موجود نبوده پدید آید که نسبت به آثار جدید جرم، شکایت مسموع است.

## قرآن پژوهی سیاست جنایی اسلام در اصلاح مجرمین \* ۱۳

### \* ۳-۱-۱-۳. در نظر گرفتن مصالح کلی

عفو و بخشش مجرم به نحوی نباشد که باعث نقض اصول انسانی و از بین رفتن ارزشهای والای بشری شود و طوری نباشد که اصول دینی و اخلاقی زیر پا شود. بر همین اساس، بخشیدن کسی که مرتکب تجاوز زنای به عنف یا قتل‌های زنجیره‌ای شده است مردود است. در صورتی که جرم و جنایت انجام شده جنبه عمومی داشته باشد و باعث جریحه دار شدن قلوب عامه مردم شود، بخشیدن مجرم خطاست؛ چون موجب جرأت سایر مجرمین می‌شود و نقض عدالت به حساب می‌آید (مانده، ۳۳)

### \* ۳-۱-۱-۴. جبران حق بزه دیده

گذشت گاهی از حق خود است و گاهی نسبت به حق دیگران، مثل گذشت پدر از حقوق کودک خود در صورتی که گذشت از حق دیگران باشد، نباید اصل گذشت، موجب ظلم به دیگری شود و این گذشت کمک به ظلم ظالم است و خود گذشت کننده نیز ظالم محسوب می‌گردد (مانده، ۲؛ هود، ۱۱۳).

در برخی از موارد، گذشت شاکی موقوف به پرداخت حقوق مالی شاکی است که در این صورت باید حقوق مالی او جبران شود (نساء/۲۹؛ بقره، ۲۸۲؛ نساء، ۲؛ نساء، ۱۰؛ اسراء، ۲۶؛ نساء، ۴؛ حجرات، ۱۱-۱۲).

عفو و بخشش بدین معنا نیست که مجرم هیچ عکس‌العملی در مقابل بخشش طرف مقابل نشان ندهد. بلکه بفرموده قرآن: *فَمَنْ عَفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ*؛ پس اگر کسی از سوی برادر (دینی) خود، چیزی به او بخشیده شود، (و حکم قصاص او، تبدیل به خونبها گردد،) باید از راه پسندیده پیروی کند. (و صاحب خون، حال پرداخت کننده دیه را در نظر بگیرد.) و او [= قاتل] نیز، به نیکی دیه را (به ولی مقتول) بپردازد؛ (و در آن، مسامحه نکند.) این، تخفیف و رحمتی است از ناحیه پروردگار شما! و کسی که بعد از آن، تجاوز کند، عذاب دردناکی خواهد داشت. (بقره، ۱۷۸).

آیه شریفه به این نکته دقیق اشاره دارد که بخشش بزه دیده لطفی است که در حق جانی صورت گرفته است و جانی نیز این لطف را جبران نموده و ضررهای مالی مجنی علیه را تأمین کند.

گذشت از حق خود نیز نباید با کرامت انسانی صاحب حق منافات داشته باشد (اسراء، ۷۰) و باعث از بین رفتن آبرو و حیثیت فرد نشود

● ۳-۱-۲. آثار عفو و بخشش

بخشیدن مورد سفارش خداوند است و این به دلیل آثاری است که برای طرفین دارد:

\* ۳-۱-۲-۱. آثار بخشش در مجرم

گذشت نسبت به مجرم آثار مهمی دارد

\* ۳-۱-۲-۱-۱. اصلاح شدن

اثر بخشش در مجرم و گنه کار اصلاح شدن اوست و سعی می‌کند از اشتباهات گذشته خود عبرت گرفته و در آینده مسیر درست را پیماید.

\* ۳-۱-۲-۱-۲. جبران کردن

طبق روایت شریف «الانسان عبید الاحسان»؛ انسان بنده احسان و خوبی دیگران است و کسی که در حق دیگری خوبی می‌کند، شخصی که مورد عفو قرار گرفته خود را مدیون محسوب نموده و سعی در جبران خوبی او دارد و این تاثیر به سزای در زندگی مجرم می‌گذارد و باعث اصلاح او می‌شود.

\* ۳-۱-۲-۲. آثار بخشش در گذشت کننده

بخشش همانگونه که نسبت به مجرم اثرات حیاتی دارد، نسبت به خود گذشت کننده نیز اثرات مهمی دارد:

\* ۳-۱-۲-۲-۱. مورد غفران الهی قرار گرفتن

تاثیر گذشت در زندگی گذشت کننده این است که مورد بخشش خداوند قرار می‌گیرد. طبق فرمایش خداوند، کسی که از اشتباه دیگران می‌گذرد، خداهم اشتباهات او را نادیده می‌گیرد: **وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ** (نور، ۲۲)؛ آن‌ها باید عفو کنند و چشم‌پوشند؛ آیا دوست نمی‌دارید خداوند شما را ببخشد؟! و خداوند آمرزنده و مهربان است!

## قرآن پژوهی سیاست جنایی اسلام در اصلاح مجرمین \* ۱۵

### \* ۳-۲-۲-۱-۳. قرار گرفتن در زمره مومنان ویژه

یکی از ویژگیهای برجسته مؤمن، عفو و گذشت از خطای دیگران است تا جایی که مؤمن با این صفت لایق دوستی خدای شود:

الَّذِينَ يَنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (آل عمران، ۱۳۴) همانان که در فراخی و تنگی انفاق می‌کنند و خشم خود را فرو می‌برند و از مردم در می‌گذرند و خداوند نکوکاران را دوست دارد.

### \* ۳-۲-۲-۱-۳. نایل شدن به اجر و پاداش ویژه الهی

مقابله به مثل در فرهنگ قرآنی پذیرفته شده است یعنی اگر کسی به شما ظلم کرد، می‌توانید به مثل همان ظلم را نسبت به ظالم انجام دهید؛ با این وجود، خداوند حتی در مقابل ظلم دیگران دعوت به بخشش کرده است

وَجَزَاءٌ سَيِّئَةٍ مِّثْلُهَا فَهَمَّنَ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ (شوری، ۴۰)؛ کیفر بدی، مجازاتی است همانند آن؛ و هر کس عفو و اصلاح کند، پاداش او با خداست؛ خداوند ظالمان را دوست ندارد.

ذیل این آیه نکته عمیقی نهفته است و آن این است که میفرماید: خداوند ظالمان را دوست ندارد.

از این نکته عمیق دو مطلب قابل برداشت است:

الف) اگر در انتقام‌گیری از مجرم زیاده روی شود خود ظلم است. مثل رسمهای جاهلی که هنوز در بین برخی از طوایف وجود دارد که اگر به مجرم دست نیافتند؛ یکی از بستگانش را به جای او مجازات می‌کند و یا اینکه به بیش از جرمی که مرتکب شده است، به مجرم صدمه می‌زنند، هر دو مورد ظلم است که در این آیه مورد نهی الهی قرار گرفته است.

ب) صدرآیه تأکید در مجازات مجرمین دارد و وسط آیه ضمن به کار بردن واژه «عفا» بر عفو مجرمین صحنه گذاشته است؛ اما ذیل آیه عفو و بخشش هر مجرمی را تأیید نمی‌کند، چون بخشیدن مجرمین خطرناک خود کمک به ظالم و ظلم است و لذا برای بخشیدن باید دقت کرد که مجرم شرایط لازم برای بخشش را داشته باشد

طبق این آیه شریفه، یکی از آثار عفو، اصلاح است. یعنی برای اصلاح شدن مجرم، در قدم اول باید او را عفو کرد. بدون عفو و بخشش، شرایط برای اصلاح مجرم فراهم نمی‌گردد

### \* ۳-۲-۲-۱-۴. قرار گرفتن در زمره پرهیزگاران

قرآن کریم گذشت از خطای دیگران را نشان تقوا می‌داند: *وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَلَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ* (بقره، ۲۳۷)؛ و گذشت کردن شما (و بخشیدن تمام مهر به آنها) به پرهیزکاری نزدیکتر است، و گذشت و نیکوکاری را در میان خود فراموش نکنید، که خداوند به آنچه انجام می‌دهید، بیناست! سیاست جنایی اسلام را در مورد عفو و بخشش مجرم جهت اصلاح او میتوان از مجموع آیات وارده در این موضوع به دست آورد. قرآن کریم به ترغیب و تشویق بخشایشگر پرداخته است؛ تا ضمن بخش مجرم و اصلاح مجرم، خود نیز مور غفران الهی قرار گرفته و امتیازات مادی و معنوی آن را کسب نماید.

#### ۲-۲. خطاپوشی

یکی از برنامه‌های سیاست جنایی اسلام، خطاپوشی و ترویج مجرمان و جامعه بر پوشاندن گناه است. تا جایی در دستورات دینی بر عدم اقرار مجرم به گناه و توبه کردن مجرم تأکید شده است (محمدبن یعقوب کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۲۲۱). یعنی اگر کسی مرتکب گناه و جرمی شده است که بین خودش و خداست و شاکی خصوصی ندارد، نیازی به اقرار به گناه نیست؛ بلکه به جایی اقرار به گناه باید از جرمی که مرتکب شده توبه کند و به مسیر هدایت رهنمون شود.

سیاست جنایی اسلام در حق الناس، با تدابیری در پی کاهش تعقیب مجرمان از طریق دستگاه قضا و تأکید بیشتر بر اصلاح خود و جبران خطا است (حسینی، ۱۳۸۳: ۱۸۶، ۲۱۱).

سیاست جنایی اسلام در مورد جرایمی که مربوط به حق الله است، حاکی از خطاپوشی و کیفر زدایی است. قواعد فقهی و اصول پذیرفته شده متعددی این مسئله را تأیید می‌کند:

۱. قاعده درء حدود با شبهات: طبق این قاعده، هر جرمی که شبهه ناک باشد و صد در صدی و قطعی نباشد قابلیت اثبات ندارد

۲. قاعده قبح عقاب بلا بیان: هیچ مجرمی را نمی‌توان قبل از جرم انگاری آن مسئله مجازات کرد؛ زیرا فعل یا ترک فعل در صورتی جرم است که قانوناً جرم بودن آن تأیید و ابلاغ شده باشد. بدون جرم انگاری و ابلاغ نمی‌توان کسی را به خاطر فعل یا ترک فعلی مجازات کرد (سوره قصص، ۵۹).

۳. اصل برائت: اصل بر بیگناهی است مگر اینکه گناه و جرم متهم ثابت شود. اثبات جرم یا با شواهد و مدارک است یا با اقرار و در اسلام نسبت به خطاپوشی توسط مجرم توصیه شده است و اینکه به جرم خود اعتراف نکند؛ بلکه توبه کره و جبران کند.

## قرآن پژوهی سیاست جنایی اسلام در اصلاح مجرمین \* ۱۷

۴. پذیرش انکار بعد از اقرار: در حق الله انکار بعد از اقرار پذیرفته است. یعنی اگر کسی اقرار به زنا کند و سپس انکار نماید، حد شرعی بر او جاری نمی‌شود.

۵. قبول توبه قبل از اثبات جرم: مجرم در حق الله این فرصت را دارد که قبل از اثبات جرم توبه نماید و این امتیازی است که اسلام برای مجرمین جهت اصلاح شدن آنان داده است و خود نوعی خطاپوشی است.

۶. ترغیب شهود و ندادن شهادت: در حق الله اصل بر اثبات نشدن جرم است ولذا شهود را ترغیب می‌کنند تا نسبت به اثبات جرایمی مثل زنا شهادت ندهند (ابولقاسم ارمی؛ سید حسن وحدتی شبیری؛ ۱۳۹۸، ص ۸۹).

این سیاست تا بدان جا است که برخلاف حق الناس، اگر متهم قصد اقرار داشته باشد، مستحب است حاکم او را منصرف کند (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۲: ۴۷). برای مثال با نگاهی به جرائم جنسی مشمول به حد می‌توان استنباط کرد که شارع مقدس اسلام، علاقه‌ای به اثبات این‌گونه جرائم و مجازات آن نداشته است. از سوی دیگر با استنباط از برخی از روایات؛ افساء و اعلان گناه نزد حاکم را به منظور تحمل مجازات را جایز ندانسته و مخالف با سنت الهی می‌داند (حصری، ۱۴۱۳: ۱۲۲/۲). از این رو در این موارد، این حاکم است که نقش مؤثری ایفا می‌کند و می‌تواند از اقامه و تحقق دلایل اثبات جرم جلوگیری کند (حسینی ۱۳۸۳: ۲۰۲). لازم به ذکر است که در مورد جرائم تعزیری نیز طبق قاعده «بما یراه الحاکم»، حاکم معجز به تعیین مجازات در انواع مختلف بوده است؛ اما از جمله این مجازات؛ وعظ و پند و اندرز است و حاکم می‌تواند به همین میزان مجازات اکتفا کند (ابولقاسم ارمی؛ سید حسن وحدتی شبیری؛ ۱۳۹۸، ص ۸۹).

سیاست جنایی اسلام در برخی از جرایم مثل زنا که ریشه بسیاری از جرایم دیگر است، بر خطاپوشی و عدم اثبات آن است. تا حدی که جرم زنا جز با اقرار به سختی قابل اثبات است. شرایطی که برای شاهد و نحوه شهادت دادن آنان و تعداد شهود برای اثبات زنا در نظر گرفته شده است، حاکی از همین سیاست خطاپوشی اسلام در برخی از جرایم دارد.

دلیل این خطاپوشی نیز واضح است؛ زیرا در صورت علنی شدن این جرایم و زیاد شدن تعداد اجرا شدن مجازات این جرم، به تدریج قبح زنا از بین می‌رود و چیزی که قبحش از بین برود تعداد ارتکاب آن افزایش می‌یابد.

خطاپوشی نیز در راستای اصلاح جامعه و خطاکاران است. مجرمینی که برای اولین بار مرتکب جرمی می‌شود چنانچه از خطای آنان در محاکم قضایی چشم پوشی شود و به آن‌ها نسبت به عواقب جرم و ارتکاب مجدد جرم تذکر داده شود، معمولاً جوابگوست و در جلوگیری از ارتکاب جرم مجدد توسط آنان مفید خواهد بود.



۳-۳. محدود کردن ادله اثبات

در راستای اصلاح نمودن مجرم و از بین نرفتن قبح گناه و جرم، یکی از سیاست‌های جنایی اسلام، محدود سازی ادله اثبات دعواست به حدی که اثبات جرم را بسیار دشوار می‌سازد. در راستای همین سیاست، اسلام دستورالعمل‌های مهمی وضع نموده است:

۱. قاعده درء (یونس، ۳۶؛ حجرات، آیه ۶؛ نجم ۲۳).

۲. قبح عقاب بلا بیان (توبه، ۱۱۵؛ شعرا، ۲۰۸؛ طلاق، ۷)

۳. انکار بعد از اقرار

۴. اصل برائت (اسراء، ۱۵)

یکی از جرایمی که با این سیاست مواجه است، جرم زناست.

برای اثبات زنا باید چهار شاهد مرد عادل وجود داشته باشد که به شکل خاصی شاهد آن باشد و به شکل و کیفیت خاصی نیز شهادت دهند (نور، ۴)

بیشترین محدودیت در ادله اثبات را در بحث زنا شاهد هستیم و این سخت‌گیری دلیلی دیگری جز ثابت نشدن زنا ندارد و دلیل آن نیز همان بحث اصلاح شدن مجرم و از بین نرفتن قبح این گناه است.

قید و بندها و شرایط و موانع و محدودیت‌های ایجاد شده در مقابل اثبات این جرایم، تا حدی زیاد است که اثبات این جرایم جز در موارد نادر، ممکن نیست. شرایطی که در عدد شاهدان و نحوه اقرار نمودن مجرم و نحوه شهادت دادن شهود و بحث جنسیت شهود و... مطرح است، تا حدی دشوار است که به راحتی می‌توان ادعا نمود که سیاست جنایی اسلام، علاقه به ثابت شدن جرایم جنسی ندارد و سیاست اصلی آن در ثابت نشدن و مخفی و مستور ماندن این جنایات و خطای مجرمین است (نور/ ۴ و ۶ و ۸ و ۱۳، نساء/ ۱۵) سخت‌گیری‌های وارده در این موضوع در بحث حد زنا بیان شد.

---

۱. وَمَا يَتَّبِعْ أَكْثُرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ

۲. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحَبُوا عَلَيَّ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ

۳. وَمَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا

۴. وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (نور، ۴)

## قرآن پژوهی سیاست جنایی اسلام در اصلاح مجرمین \* ۱۹

۳-۴. توبه و بازگشت

توبه در لغت یعنی بازگشت از گناه (ابن منظور، ۱۴۲۶، ۱۴۹۹). در اصطلاح عبارت است از پشیمانی قلبی و طلب بخشش زبانی و انجام ندادن مجدد عمل مورد نهی شارع (طاهری، ۱۳۸۴، ص ۷).

توبه یکی از موضوعات مهمی است که در رشته‌های مختلف علوم قرآن، فقه، کلام و حقوق قابل بحث است و در بحث سیاست جنایی و کیفری اسلام، نقش مهمی دارد. نگاه سیاست جنایی و کیفری اسلام به توبه، نگاه اصلاحی و سعادت‌مندانه است. طبق سیاست جنایی و کیفری اسلام، توبه می‌تواند در حق الله به جز قذف، موجب سقوط حد و تعزیر شده و نقش درمانگرانه ایفا کند.

سیاست جنایی اسلام به عنوان عامل اجرایی دستورات دین در این زمینه توبه را به عنوان عامل اصلاحی و درمانگر پذیرفته است.

اگر مجرم در جرایم حدی که حق الله است، قبل از محاکمه توبه کند، طبق سیاست جنایی اسلام، مورد محاکمه قرار نمی‌گیرد تا زمینه برای اصلاح او فراهم باشد.

### ۳-۴-۱-۱ \* نگرش قرآن به نقش توبه در اصلاح پذیری

یکی از آسانترین وسیله‌ها برای اصلاح و تربیت مجرم، توبه است. خداوند متعال زمینه را برای اصلاح همه مجرمین با هر جرم و جنایتی غیر از شرک، فراهم نموده است: قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ (زمر، ۵۳)؛ ای بندگان من که بر خود ظلم می‌کنید، از رحمت من نا امید نشوید که من همه گناهان را می‌بخشم و خداوند بخشنده و مهربان است.

#### ۳-۴-۱-۱-۱ \* نکات مهم آیه ۵۳ از سوره زمر

این آیه شریفه سه نکته مهم را در مور اصلاح و تربیت مجرمین بیان داشته است:

#### ۳-۴-۱-۱-۱-۱ \* ناامید نشدن از اصلاح شدن

برخلاف دیدگاه برخی از دانشمندان غربی که معتقد به جانی بالفطره هستند (سزار لمبروزو)؛ یعنی برخی انسان‌ها فطرتاً جنایت‌کارند و امکان اصلاح و تربیت آنان وجود ندارد؛ خداوند می‌فرماید هر انسانی تربیت پذیر است. خداوند زمینه اصلاح هر مجرمی را فراهم نموده است و هرکسی که توبه کند راه هدایت برایش هموار می‌شود.

عده‌ای از مجرمان چنان در لجن زار جرم و جنایت فرورفته‌اند که امیدی به اصلاح شدن خود ندارند؛ خداوند خطاب این جانیان میفرماید: ای بندگان من، نا امید نشوید که رحمت من فراوان است.

\* ۲-۱-۱-۳. قابل بخشش بودن تمام گناهان با توبه

برخی براین باورند که تعدادی از گناهان مثل شرک قابل بخشش نیست؛ اما آیه از چنین گستردگی برخوردار است که تمام گناهان را با توبه قابل بخشش می‌داند: **إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا**؛ ذنوب جمع ذنب است و ذنب یعنی گناه. طبق قواعد ادبیات عرب، اگر الف و لام بر سر اسم جمع داخل شود دلالت بر عموم و شمول می‌کند، در این جا مقصود از ذنوب فراگیر بودن آن است یعنی خداوند همه گناهان را با توبه می‌بخشد. فرقی نمی‌کند که آن گناه شرک به خدا باشد یا غیر شرک. همانگونه که سیره عملی پیامبر در فتح مکه نیز این مسئله را ثابت می‌نماید که دستور به عفو عمومی داد و هیچ یک از مشرکان مکه را به خاطر شرکشان اعدام نکرد. و امثال ابوسفیان به خاطر مشرک بودن کشته نشدند. بلکه مسلمان شدند و جان و مال و ناموسشان در امان ماند.

خداوند تنها به این اکتفا نکرده بلکه با آوردن واژه «جمیعا» تاکید بیشتری بر قابل بخشش بودن همه گناهان نموده است. یعنی هر گناهی به شرط توبه قابل بخشش است. حال این اشکال پیش می‌آید که این آیه چگونه با آیه ۴۸ سوره نسا جمع می‌شود؟ زیرا در آن جا می‌فرماید: **إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ**؛ خداوند گناه شرک را نمی‌بخشد. جوابش این است که اولاً بخشش خداوند مطلق نیست بلکه مشروط به سه شرط است که در آیات بعدی بیان شده است:

الف) **أَنِيبُوا إِلَى رَبِّكُمْ** (زمر، ۵۴)؛ به سوی پروردگارتان باز گردید. توبه نیز مطلق و بدون قید و شرط نیست. شرط توبه در حدیثی از امیرالمؤمنین بیان شده است

\* ۱-۲-۱-۱-۳. شرایط توبه

آیات هفده و هجدهم از سوره نساء چهار شرط برای توبه بیان کرده است:

۱. جرم و ارتکاب گناه از روی جهل و نادانی باشد.  
هر چند این شرط با برخی از آیات و روایات و سیره ائمه معصومین سازگار نیست؛ زیرا اگر این شرط را اعمال کنیم باید معتقد باشیم که توبه ۹۰٪ مجرمان قبول نمی‌شود زیرا اکثرا جرم و

## قرآن پژوهی سیاست جنایی اسلام در اصلاح مجرمین \* ۲۱

گناه عامدانه است؛ در حالیکه خداوند می‌فرماید: ان الله يغفر الذنوب جميعا؛ خداوند همه گناهان را می‌بخشد چه گناهی که عمدًا و از روی علم ارتکاب یافته باشد یا گناهی که از روی جهالت و نادانی باشد.

۲. توبه را به تاخیر نیندازد

۳. توبه به خاطر ندامت و پشیمانی و ناشی از ایمان و اعتقاد به خدا باشد نه به خاطر ترس از مجازات برای همین توبه مجرم بعد از اثبات حد پذیرفته نیست؛ زیرا چنین توبه به خاطر ترس از مجازات است و ارزشی ندارد؛ در حالیکه توبه مورد قبول است که ناشی از پشیمانی و ایمان به خدا و بازگشت به سوی خداوند جهت پیمودن مسیر تکامل باشد.

۴. توبه هنگام مرگ نباشد؛ به همان تحلیلی که در شرط سوم بیان شد. زیرا توبه در حال مرگ نیز ناشی از ترس مجازات است و ارزشی ندارد.

در روایات اهلبیت (ع)، شرایطی دیگری نیز برای توبه بیان شده است مثل اظهار پشیمانی و احراز آن، پرداخت حق الناس و... (محمد باقر مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۸۱)

ب) وَ اسْأَلُوا لَهُ (زمر، ۵۴)؛ در برابر فرمان او تسلیم شوید.

ج) وَ اتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ (زمر، ۵۵)؛ از بهترین دستوراتی که از سوی پروردگارتان بر شما نازل شده پیروی کنید.

با این سه شرط، هر جرم و گناهی حتی شرک به خدا قابل بخشش است؛ اما در آیه ۴۸ سوره نساء اگر می‌فرماید: إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ؛ مراد مشرکانی است که با حالت شرک از دنیا رفته‌اند مثل ابولهب (مکارم شیرازی، ج ۱۹، ص ۵۰۱)؛ اما مشرکاتی که توبه کرده با سه شرط فوق مورد رحمت و بخشش خداوند قرار می‌گیرند.

### \* ۳-۱-۱-۳-۴-۳. مظلوم بودن مجرم

سومین نکته قابل برداشت از آیه ۵۳ سوره زمر، مظلوم بودن مجرم است. در نگاه سطحی می‌توان اینگونه برداشت کرد که مجرم و جنایتکار، به دیگران ظلم نموده است؛ اما در حقیقت هر جرم و جنایتی که توسط جانی ارتکاب می‌یابد و هر گناهی که توسط انسان انجام می‌شود، اولین اثر مستقیم او به خود جانی و مجرم و گنهگار بر می‌گردد. خداوند حکیم بسیار زیبا این نکته را بیان می‌دارد: يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ؛ این بندگان من که بر خود ستم کرده‌اید.

یکی از بدترین نوع ظلم‌ها، ظلم به خود است. چه ظلمی بدتر از این که انسان راه سعادت و خوشبختی و آرامش و آسایش را بر خود ببندد. کسی که مرتکب جرم می‌شود آسایش و

آرامش ندارد. همواره با دلهره و اضطراب و ترس زندگی می‌کند. دچار عذاب وجدان است و حتی اگر خیلی بی وجدان باشد؛ بازهم پیامدهای دنیوی و اخروی جنایت هم در این دنیا و هم در عالم آخرت گریانش را می‌گیرد و برای همیشه خودش را از دایره سعادت و کمال خارج کرده است. پس با نگاه عمیقتر، می‌توان گفت مجرم و گنهکار خود مورد ظلم خودش قرار گرفته است و از این جهت مظلوم است. با این تفاوت که اگر کسی مورد ظلم دیگری قرار گیرد، زمینه احقاق حق او در این دنیا وجود دارد؛ حال اگر هم در این دنیا نتواند دادخواهی کند و عدالت اجرا نشود؛ جهان آخرت برای تأمین عدالت است؛ اما کسی که به خودش ظلم کرده است؛ نه در این دنیا و در جهان آخرت نمی‌تواند کاری انجام دهد. پس مظلومتر از همه، انسان مجرم و گناهکار است. تنها با توبه در این دنیا می‌تواند از حقوق خود دفاع نموده و از نفس اماره خود انتقام بگیرد و به عدالت برسد.

در نتیجه زمینه اصلاح و تربیت هرکسی با توبه فراهم است و توبه بهترین و آسانترین روش اصلاح و تربیت مجرمان و جنایتکاران است.

بحشی که تا به حال بیان شد مربوط به توبه کننده و خداوند بود و ثابت شد که در محضر خداوند هر جرمی قابل بخشش است؛ حال باید دید که در محاکم قضایی دنیوی با توبه چه برخوردی شده است؟

### ● ۲-۴-۳. نقش توبه در جرائم حدی

توبه در جرائم مستوجب حد، موجب سقوط مجازات است:

#### \* ۱-۲-۴-۳. نقش توبه در سقوط حد زنا

توبه در جرائم حدی مثل زنا مؤثر است و اگر زناکار قبل از اثبات زنا در محکمه توبه کند و این توبه برای قاضی محرز شود، به نظر مشهور فقهای اهل بیت، حد زنا ساقط می‌شود (خویی، بیّنات، ج ۱۴، ص ۵۸۱)؛ اما توبه بعد از ثابت شدن زنا، اثری در سقوط مجازات ندارد؛ زیرا چنین توبه از روی ترس از مرگ یا مجازات ناشی از حد است. توبه در صورتی ارزشمند است که حاکی از اصلاح پذیری مجرم باشد و پشیمانی از گناهان و جرمهای گذشته در وجود او هویدا شود و دلیل این توبه و پشیمانی نیز اصلاح شدن و رهنمون شدن به مسیر درست باشد.

دلیل این که توبه باعث سقوط حد زنا می‌شود، آیه ۱۵ و ۱۶ از سوره نساء است:

در آیه پانزدهم می‌فرماید: وَاللّٰتِي يٰۤاٰتِيْنَ الْفٰحِشَةَ مِنْ نِّسٰۤاِكُمْ فَاَسْتَشْهَدُوْا عَلَیْهِنَّ اَزْبَعَةٌ مِّنْكُمْ

## قرآن پژوهی سیاست جنایی اسلام در اصلاح مجرمین \* ۲۳

فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُمْ فِي الْبُيُوتِ حَتَّىٰ يَتَوَقَّاهُنَّ الْمَوْتَ أَوْ يُجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا؛ و کسانی از زنان شما که مرتکب زنا شوند، چهار نفر از مسلمانان را بعنوان شاهد بر آن‌ها بطلبید! اگر گواهی دادند، آنان [= زنان] را در خانه‌ها (ی خود) نگاه دارید تا مرگشان فرارسد؛ یا اینکه خداوند، راهی برای آن‌ها قرار دهد.

در اینکه منظور از «سبیلا» چیست؟ مفسرین نظرات متعددی ارائه کرده‌اند، برخی گفته‌اند مراد این است که این آیه نسخ شده است و مراد از راه دیگر نسخ این آیه به آیه جلد و رجم است (جعفر سبحانی، ج ۲، ص ۳۵۰).

اما به نظر می‌رسد مراد از «سبیل» همان توفیق توبه باشد. یعنی خداوند به این زنان توفیق توبه دهد که در صورت احراز توبه، نیازی به مجازات نیست.

در آیه ۱۶ می‌فرماید: وَاللَّذَانِ يَأْتِيَانَهَا مِنْكُمْ فَادُّوهُمَا فَإِنْ تَابَا وَأَصْلَحَا فَأَعْرَضُوا عَنْهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ تَوَّابًا رَحِيمًا؛ و از میان شما، آن مردان و زنانی که (همسر ندارند، و) مرتکب آن کار (زشت) می‌شوند، آن‌ها را آزار دهید (و حد بر آنان جاری نمایید!) و اگر توبه کنند، و (خود را) اصلاح نمایند، (و به جبران گذشته بپردازند،) از آن‌ها درگذرید! زیرا خداوند، توبه‌پذیر و مهربان است.

این آیه صراحت دارد براینکه اگر زناکار توبه، کند کاری به او نداشته باشید یعنی مجازاتش نکنید.

بحث سقوط حد با توبه در صورتی است که توبه قبل از ثابت شدن زنا باشد؛ اما مشهور فقهای امامیه معتقد است که بعد از اثبات حد زنا با اقرار نیز چنانچه زناکار توبه کند، حاکم شرع مخیر است که حد را بر او جاری کند یا او را ببخشد (محمد حسن نجفی، ۱۳۶۳، ج ۴۱، ص ۲۹۳). البته این در صورتی است که حد زنا با اقرار ثابت شده باشد؛ اما اگر با شهادت شهود ثابت شده باشد، توبه بعد از اثبات، در سقوط حد تأثیری ندارد.

### \* ۲-۲-۴-۳. نقش توبه در سقوط حد محاربه

در میان جرایم مستوجب حد که در قرآن بیان شده است، خداوند شدیدترین مجازات را برای مجرم محارب وضع نموده است. آیه محاربه به چهار نوع مجازات (قتل، به صلیب کشیدن، دست و پایش را بریدن و یا تبعید کردن) اشاره نموده که متناسب با نوع محاربه اعمال می‌شود:

إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ

عَذَابٌ عَظِيمٌ (مانده، ۳۳).

شدت این مجازات‌ها متناسب با شدت جرمی است که محارب انجام داده و پیامدهای مخربی است که جرم محاربه در جامعه اسلامی رقم می‌زند. پس از این جهت بین جرم و مجازات آن تناسب برقرار است.

علی‌رغم این جرم وحشتناک و خطرناک، خداوند می‌فرماید در همین حال هم اگر محارب توبه کند و طبق شرایط توبه عمل نماید، توبه‌اش پذیرفته می‌شود و حد محاربه بر او جاری نمی‌گردد: إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْدُرُوا عَلَيْهِمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (مانده، ۳۴). فقها نیز در استنباط از این آیه فرموده‌اند: اگر قبل از دستیابی حاکم، توبه کند، حد بر او جاری نمی‌شود (عبد الکریم موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷)، ج ۳، ص ۵۷۰). مرحوم اردبیلی در سقوط حد محاربه در صورت توبه محارب ادعا کرده است که در این موضوع بین فقهای اهل بیت اختلافی نیست و همه این موضوع را که توبه مسقط حد محاربه است قبول دارند. (همان، ص ۵۹۰). قانون‌گزار در ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی بیان داشته است که در حد محاربه، توبه مطلقاً مسقط حد نیست؛ اما این روشی که قانون در پیش گرفته با آموزه‌های قرآنی سازگاری ندارد؛ بلکه توبه در حد محاربه نیز چنانچه قبل از دستگیری محارب باشد، موجب سقوط حد محاربه است.

سقوط حد محاربه از محارب بدلیل توبه قبل از اثبات جرم و محاکمه به معنای سلب مسئولیت او در قبال حق الناس نیست. بنابراین اگر در محاربه کسی کشته شده باشد یا مال دیگران تضییع شده باشد، شخص محارب ملزم به جبران آن است و اگر کسی را کشته باشد و اولیای دم خواهان احقاق حق خود باشند کشته می‌شود اما کشته شدن او از باب محاربه نیست بلکه از باب قصاص است (سید عبد الکریم موسوی اردبیلی به نقل از شیخ طوسی، همان، ص ۵۹۱).

#### \* ۳-۲-۳-۴. نقش توبه در سقوط حد سرقت

قرآن کریم بعد از حکم به قطع دست سارق می‌فرماید:  
فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَاصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (مانده، ۳۹)؛ اگر کسی بعد از سرقت توبه کرد، حد سرقت بر او جاری نکنید، هرچند ملزم به ضرر و زیان وارده بر

---

۱. و ما يجب عليه من حدود الآدميين فلا يسقط، كالتقصاص، و القذف، و ضمان الأموال. و ما يجب عليه من حدود الله التي لا تختص بالمحاربة، كحد الزنا و الشرب و اللواط، فإنها تسقط عنه بالتوبة قبل القدرة عليه.



## قرآن پژوهی سیاست جنایی اسلام در اصلاح مجرمین \* ۲۵

دیگران می‌باشد و حق الناس را باید جبران کند (جعفر بن حسن محقق حلی، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۳۷۲).

اینکه توبه در چه شرایطی می‌تواند مسقط حد سرقت باشد در جرایم حق الناسی به تفصیل بیان شده است.

همانگونه که مشخص است، توبه می‌تواند حتی مجازاتهای سنگینی مثل حد محاربه، زنا و سرقت را از بین ببرد و زمینه را برای مجرمین خطرناک هم هموار کرده است تا ضمن توبه کردن و جبران حقوق مردم، بار دیگر به دامن اجتماع برگردند و ضمن زندگی شرافتمندانه، راه را برای تعالی و تکامل و رشد و عاقبت به خیری خود هموار سازند. در نتیجه، سیاست جنایی و کیفری اسلام، با راهکار توبه، زمینه را برای اصلاح مجرمین خطرناک نیز هموار کرده است.

### \* ۳-۴-۳. نقش توبه در جرائم تعزیری

تعزیر یا تعزیر شرعی است یا حکومتی و تعزیر شرعی نیز یا منصوص است یا غیر منصوص.

تعزیرات شرعی ممکن است حق الله یا حق الناس باشد؛ اما تعزیرات حکومتی<sup>۱</sup> همگی حق الناس است (محمد هادی صادقی، ۲۰۱۳)، ص ۱۶۲).

تعزیرات شرعی که جنبه حق الهی دارد، قطعا با توبه قبل از ثبوت جرم، مجازات آن ساقط می‌شود؛ اما تعزیراتی که جنبه حق الناسی دارد چه شرعی باشد یا حکومتی، تابع رضایت شاکی و اختیار حاکم شرع است

در تعزیر مجازات دارای مراتب است و یکی از انواع آن پند و اندرز و تشر زدن به مجرم است. یعنی اگر همین مقدار کفایت کند نیازی به مجازات شدیدتر نیست. حال اگر در جرم تعزیری، جنبه حق الناسی آن توسط مجرم تأمین شود و برای حاکم شرع توبه مجرم محرز گردد، حاکم این اختیار را دارد که از مجازات او درگذرد. دلیل آن نیز می‌تواند قاعده اولویت باشد؛ زیرا در مجازات مستوجب حد توبه مسقط حد است؛ پس در مجازات مستوجب تعزیر که ضعیف‌تر از حد است، به طریق اولی توبه مسقط مجازات تعزیری است (محمد هادی صادقی، ۲۰۱۳)، ص ۱۶۱).

به لحاظ قانونی نیز توبه در برخی از جرایم تعزیری، مسقط مجازات است؛ به عنوان نمونه در ماده ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی بیان شده است که: در جرائم تعزیری درجه شش، هفت

۱. مثل تخلفات راهنمایی و رانندگی و...

و هشت چنانچه مرتکب توبه نماید و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، مجازات ساقط می‌شود.

از نظر فقهای اهل بیت، همچون شهید اول، مقدار سیوری و... توبه که واجد شرایط باشد، مطلقاً در جرایم تعزیری مسقط مجازات است فرقی نمی‌کند که جرم کوچک باشد یا بزرگ (شهید اول، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۲۸؛ مقدار سیوری، ۱۴۰۳، ص ۵۳۰؛ بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۷، ص ۳۳۳).

#### \* ۱-۳-۴-۳. دلیل عقلی بر مسقط بودن توبه

خداوند گناه کاران و مجرمین را امر به توبه کرده است (تحریم، ۸؛ هود، ۹۰، ۵۲). امر به توبه در صورتی واجب الاتیان است که توبه تاثیر داشته باشد اگر مجرمی توبه کند و تاثیرش که همان سقوط مجازات و پاک شدن مجرم است مترتب نشود، امر به توبه نیز لغو می‌شود

در نتیجه، طبق روایت امام معصوم که می‌فرماید: کسی که از گناه توبه می‌کند مثل کسی است که گناهی نکرده است (محمد بن یعقوب کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۴۳۵)؛ توبه واجد شرایط تاثیر دارد و تاثیرش همان سقوط مجازات است. پس اگر در جرایم تعزیری، توبه واجد شرایط مجرم برای حاکم شرع محرز شود، حق مجازات مجرم را ندارد.

#### \* ۳-۴-۴. نقش توبه در جرائم حق الناسی

حق الناس به حقوقی گفته می‌شود که به منافع خصوصی و شخصی افراد مرتبط باشد مثل حقوق مالی، حقوق معنوی و حیثیتی، حقوق جانی و... (وهبه زحیلی، ۱۴۲۷، ص ۵۵۵۶).

در اینکه حق الله چیست و ملاک تمایز آن از حق الله کدام است نظریه‌های متعددی ارائه شده است:

برخی معتقدند: حق الناس آن است که قابلیت اسقاط، معاوضه و صلح را داشته باشد (ابن قیم الجوزیه، ۱۴۱۶، ص ۱۱۲).

عده‌ای دیگری معتقدند که حق الناس عبارت است از هر جرمی که موجب تضییع به شخص یا اشخاص خاصی بشود (جهاندار امینی؛ محمد علی طاهری، ۱۳۹۳، ص ۵۲).

همه تعاریف تقریباً به عنصر مشترکی اشاره دارد و آن هم ارتباط آن هم منافع شخصی افراد است نه همه افراد جامعه.

## قرآن پژوهی سیاست جنایی اسلام در اصلاح مجرمین \* ۲۷

به نظر می‌رسد حق الناس آن است که دعوی راجع به آن با شکایت شاکی خصوصی شروع می‌شود و او می‌تواند با ترک تعقیب متهم به دادرسی خاتمه دهد؛ برخلاف حق الله که مدعی العموم ملزم به رسیدگی و تعقیب مجازات آن می‌باشد. در جرایم حق الناسی، چنانچه شاکی خصوصی گذشت نکند، توبه نمی‌تواند در سقوط مجازات مجرم نقشی داشته باشد؛ اما اگر صاحب حق گذشت کند، علاوه بر مجازات دنیوی، توبه می‌تواند مجازات اخروی مجرم را نیز از بین ببرد. توبه در سقوط مجازاتی که ناشی از تجاوز به حق الناس است اثری ندارد مگر اینکه توبه کننده در اولین فرصت نسبت به جبران حقوق مردم اقدام نماید.

### \* ۱-۴-۴-۳. نقش توبه در حد قذف

مباحث مربوط به حد قذف به صورت تفصیلی در قسمت مباحث حدود بیان شد؛ اما نکته قابل بحث در این جا اینکه: حد قذف نیز چون حق الناس است (نور، ۴)، توبه نمی‌تواند در سقوط مجازات آن نقشی ایفا کند (نور، ۴). هر چند بعد از اجرای حد، توبه می‌تواند سایر ممنوعیت‌های اجتماعی او مثل قبول نشدن شهادتش را اصلاح کند (نور، ۵). قذف باعث سه عکس العمل می‌شود: اجرای حد قذف، عدم قبول شهادت، فاسق بودن. توبه قذف کننده فاسق بودن و منع شهادت او را اصلاح می‌کند اما نمی‌تواند جلو اجرای حد قذف را بگیرد.

### \* ۲-۴-۴-۳. نقش توبه در حد سرقت

در نگاه سطحی و اولیه اینگونه به نظر می‌رسد که سرقت تا قبل از رفع الامر الی الحاکم حق الناس است و توبه نقشی در سقوط مجازات آن ندارد؛ اما با نگاه دقیقتر میتوان فهمید که اینگونه نیست

به لحاظ فقهی، سرقت چهار حالت دارد:

۱. عدم جلب رضایت شاکی و توبه نکردن سارق

در این حالت حد سرقت که همان قطع دست است بر او جاری می‌شو

۲. جلب رضایت سارق و توبه قبل از ثابت شدن سرقت با شهادت شهود

در این حالت مجازات و حد سرقت ساقط می‌شود چون سرقت تا قبل از رفع الامر الی

الحاکم، حق الناس است و حق الناس بدون شکایت شاکی خصوصی قابل پیگیری نیست.

توبه در حق الناس جنبه عملی دارد و آن عبارت است از پرداخت حقوق تضییع شده مردم. حال اگر این حقوق را قبل از شکایت شاکی پرداخت کند، و رضایت شاکی را جلب نماید، خود توبه عملی است

علمای امامیه بر سقوط حد در این حالت، ادعای اجماع کرده‌اند و در صحت این نظریه به دو دلیل استناد نموده‌اند:

الف) آیه سی و نهم از سوره مائده: فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ. این آیه که در ادامه حد سرقت بیان شده است؛ تخصیصی بر جاری شدن حد سرقت است. یعنی کسی که بعد از سرقت که ظلم به دیگری است توبه کند، خداوند توبه‌اش را می‌پذیرد و این آیه، عموم فاقطعوا را تخصیص زده است. در نتیجه در صورتی که سارق قبل از شکایت به قاضی توبه نماید حد سرقت ساقط می‌شود. پس توبه می‌تواند مسقط حد سرقت نیز باشد.

ب) قیاس اولویت سرقت به محاربه در بحث محاربه ثابت شد که اگر محارب قبل از دستگیری توبه کند، حد محاربه ساقط می‌شود. حد سرقت نیز براساس همان ملاک، قبل از رفع الامر الی الحاکم با توبه ساقط می‌گردد.

پس توبه می‌تواند در حد سرقت نیز نقش مثبت ایفا کند؛ هرچند مراد از توبه در این جا همان احراز رضایت ذی حق است (جهاندار امینی؛ محمد علی طاهری، ۱۳۹۳، ص ۵۴).

۳. توبه و جلب رضایت بعد از شکایت در دادگاه و ثابت شدن سرقت با شهادت شهود. در این حالت توبه نمی‌تواند نقشی در سقوط مجازات داشته باشد؛ چون حق الناس تبدیل به حق الله شده است و حد شرعی وقتی با بینه ثابت شد دیگر قابل تغییر نیست.

رضایت شاکی بعد از رفع الامر الی الحاکم فایده در سقوط مجازات مجرم ندارد؛ چون بعد از شکایت، سرقت جنبه حق الهی می‌یابد. این مسئله به لحاظ فقهی اتفاقی است؛ بدلیل حدیث صفوان ابن امیه که نزد پیامبر شکایت کرد و بعد عرضه داشت که می‌خواهم دزد را ببخشم. پیامبر فرمود: اگر می‌خواستی دزد را ببخشی باید قبل از آمدن نزد من می‌بخشیدی (محمد حسن نجفی، ۱۳۷۴، ج ۴۱، ص ۵۸۱).

ماده ۲۶۸ قانون مجازات اسلامی در بند «ذ» مقرر می‌دارد که: سرقت در صورتی که دارای تمام شرایط ذیل باشد موجب حد است... ذ) صاحب مال قبل از اثبات سرقت، سارق را

## قرآن پژوهی سیاست جنایی اسلام در اصلاح مجرمین \* ۲۹

نبخشیده باشد.

همانگونه که مشخص است، قانون هم بخشیدن بعد از ثابت شدن سرقت را در سقوط حد سرقت بی فایده می‌داند.

۴. توبه سارق بعد از ثابت شدن حد سرقت با اقرار خود سارق

در این حالت دو نظریه است:

الف) نظریه مشهور

طبق نظر مشهور در این حال نیز مثل اینکه حد سرقت با بینه ثابت شده باشد، توبه نمی‌تواند نقشی در سقوط حد سرقت داشته باشد (سید ابوالقاسم خویی، بی‌تا، ص ۳۰۹).

ب) نظر غیر مشهور

طبق این نظریه در صورتی که سارق بعد از اقرار به سرقت توبه کند، حاکم شرع در اجرای حد یا بخشیدن سارق مخیر است.

در نتیجه اگر حاکم شرع برایش ثابت شود که سارق اصلاح پذیر است و توبه او بدلیل ترس از مجازات نیست؛ بلکه متنبه شده است و توبه واقعی کرده است، می‌تواند حد سرقت را بر او جاری نکند (سید ابوالقاسم خویی، بی‌تا، ص ۳۰۹).

### ۴. نتیجه

با پژوهش در آیات قرآن کریم، دستاوردهای مهمی در حوزه اصلاح و درمان مجرمین محقق شد:

۱. قرآن کریم با ترغیب مومنان به عفو و بخشش مجرمان اصلاح پذیر، از یک سوزمینه را برای تربیت و بازگشت مجدد آن‌ها به مسیر هدایت فراهم نموده است و از سوی دیگر نوید امتیازات مهمی چون اجر و پاداش معنوی و برخورداری از جایگاه اجتماعی را به عفو کننده داده است

۲. چشم پوشی از برخی از خطاهای مجرمین اصلاح پذیر، راهکار دیگری بر اصلاح و تربیت مجرمان است، ستارالعیوب بودن خداوند از پیامهای مهمی است که در بخشهای متعدد قرآن کریم تکرار شده است. علنی و شایع شدن برخی از جرایم و گناهان و مجازات مجرم به خاطر آن نه تنها صلاح فردی و اجتماعی را تأمین نمی‌کند که زیان‌های جبران ناپذیری وارد می‌سازد.

۳. راهکار دیگر قرآن کریم جهت اصلاح مجرمین، محدود کردن ادله اثبات دعوا است که از این طریق تلاش بر اثبات نشدن برخی از جرایم دارد. جرایم منافی عفت از همین قبیل است که شرایط دشواری برای اثبات آن وضع شده است. این محدودیت‌ها پیامش عدم اثبات

جرم مربوطه و به تبع آن عدم اعمال مجازات مجرم می‌باشد تا زمینه برای اصلاح و تربیت آن فراهم شود

۴. در نهایت قرآن با ارائه راهکار توبه، زمینه را برای بازگشت هر مجرمی با هر نوع جرمی فراهم نموده است تا از این طریق ضمن پشیمان شدن از خطاهای گذشته خود و عبرت گرفتن از آنان و جبران حق الناس، بار دیگر به آغوش اجتماع برگشته و زندگی شرافتمندانه خود را آغاز نماید.

∴ ۵. فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن الأثیر الجزری، مجدالدین ابوالسعادات المبارک بن محمد (۱۳۶۷ ه. ش)، النهایة
۲. ابن فارس، احمد، ۱۳۹۹، معجم مقاییس اللغه، بیروت، دارالفکر
۳. ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، چاپ نخست، ۱۴۰۸ ه. ق.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب، بیروت: دارصادر، ۱۴۱۴ ق. . تمیمی آمدی، عبدالواحد؛ غررالحکم و دررالکلم؛ محقق رجایی، قم: دارالکتاب الاسلامی،
۵. ارمی، ابوالقاسم؛ وحدتی شبیری، سید حسن. (۱۹۷۰). بررسی مبانی و ادله دام‌گستری در متون دینی. دوفصلنامه علمی پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، ۸(۱)، ۸۳-۱۰۸.
۶. آئین نامه کمیسیون عفو و تخفیف مجازات محکومین، مصوب ۱۳۸۷/۰۹/۱۲؛ ماده ۲۶.
۷. بجنوردی، حسن (۱۴۱۹). القواعد الفقهیه، قم: الهادی، الطبعة الاولى
۸. جهاندار امینی؛ محمد علی طاهری، ۱۳۹۲، توبه و تاثیر آن بر حدود ازدیدگاه فقه مقارن و قانون مجازات اسلامی ۹۲، مجله حقوقی دادگستری، ش ۸۸.
۹. حاجی ده آبادی. (۲۰۰۹). اصلاح مجرمان در سیاست جنایی تقنینی ایران. مطالعات حقوق خصوصی، ۳۹(۳).
۱۰. حسینی، دکتر سید محمد. (۱۳۸۱). مراجع اجتماعی پاسخ دهی به پدیده مجرمانه در

## قرآن پژوهی سیاست جنایی اسلام در اصلاح مجرمین \* ۳۱

- سیاست جنایی اسلام. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۵۸.
۱۱. خویی، سید ابوالقاسم، بیتا، مبانی تکملة المنهاج، قم، مؤسسه احیاء ثراث آثار امام خویی
۱۲. زبیدی، الحسینی الواسطی، محب الدین السید محمد مرتضی (۱۴۱۴ ه.ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، تصحیح و تدقیق علی شیرازی، دار الفکر، بیروت،
۱۳. زحیلی، وهبه؛ ۱۴۲۷، الفقه الاسلامی و ادلته، تهران، احسان.
۱۴. سبحانی، جعفر، ۱۳۷۶، نظام القضاء و الشهادة فی الشريعة الاسلامیة الغراء، قم، مؤسسه امام صادق
۱۵. سیوری، فاضل مقداد، ۱۴۰۳، کنزالعرفان، قم، مجمع جهانی تقریب اسلامی
۱۶. شعرانی، ابوالحسن، ۱۳۵۷، نثرطوبی، تهران، کتاب فروشی اسلامیة
۱۷. صادقی، محمدهادی. (۲۰۱۳). نقش توبه در حدود و تعزیرات. پژوهشنامه حقوق کیفری، ۴(۲)، ۱۵۳-۱۷۴.
۱۸. قانون مجازت اسلامی، مصوب ۱۳۹۲
۱۹. کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۳۶۵، کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیة
۲۰. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳، بحارالانوار، بیروت، دار احیاء التراث.
۲۱. محمودی، مرتضی و همکاران، ۱۳۹۶، آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۱۴.
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، انتشارات اسلامیة، بیتا.
۲۳. موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم، ۱۴۲۷، فقه الحدود و التعزیرات، قم، انتشارات دانشگاه مفید.
۲۴. نجفی، محمد حسن، ۱۳۶۳، جواهرالکلام، تهران، المكتبة الاسلامیة.



